

روایت سید محمود میرلوحی

درباره آینده وضعیت کشور

هر وقت بتوانیم جنگ را به هر شکلی متوقف کنیم، باید انجام شود

یک فعال سیاسی اصلاح طلب، درباره طرح موضوع «صلح حدیبیه» از سوی برخی چهره‌های سیاسی بیان کرد: واقعیت امر این است که ما بایک گاوشاخ‌دار مواجه هستیم و می‌بینیم که آمده و حمله کرده‌است؛ فرماندهان، دانشمندان، مدرسه میناب، مدرسه، سالن ورزشی لامرد و حتی مراسم عروسی را هدف قرار داده است. خبرنگارلین نوشت: محمود میرلوحی گفت: این در حالی است که طرف مقابل با ادعای برخورداری از امکانات فراوان، تسلط، تکنولوژی برتر و قوی‌ترین و دقیق‌ترین سلاح‌ها، حمله دقیق انجام می‌دهد. بااین حال، می‌بینید که مدت هاست می‌خواهد بررسی کند و ببیند مدرسه میناب را چگونه و با چه چیزی زده است. وی افزود: ملاحظه می‌کنید که هنوز هم می‌آید و می‌گوید موشک از یک انبار یا شهرک موشکی خارج شده و چنین کاری انجام شده است، اما چگونه در کوه و سنگ ندیده‌است که آنجا چه جمعیتی وجود دارد؟ آیا این بهانه درستی است که مثلاً یک آنتن مخابراتی وجود داشته‌است؟ این فعال سیاسی اصلاح طلب با بیان اینکه در چنین شرایطی دو راه پیش روی کشور قرار دارد، گفت: یکی اینکه تسلیم شویم و دیگری اینکه بایستیم و مقاومت کنیم. مقاومت فقط نظامی نیست؛ دیپلماسی، مذاکره و گفت‌وگو هم بخشی از مقاومت است و می‌توان با مذاکره و گفت‌وگو این جنگ را حل کرد. وی تصریح کرد: جنگ اساساً و ذاتاً امر ممدوح و پسندیده‌ای نیست. جنگ که قرار نیست با دوست انجام شود؛ جنگ یعنی با دشمن، اما جنگ اساساً و اصالتاً امری مذموم است. جنگ‌ها همه بد هستند و ما هر وقت بتوانیم این جنگ را به هر شکلی متوقف کنیم، باید این کار را انجام دهیم. میرلوحی ادامه داد: این بار آمریکا مقابل ماست، قبل از آن هم صدام بود. بالاخره جنگ با صدام تمام شد، توافق کردیم و صلح کردیم. اینجا هم باید مذاکره کرد. غیر از مذاکره چه کار کنیم؟ بزیم تا او بیشتر بزند؟ وی اظهار کرد: مادر شرایطی هستیم که نمی‌توانیم خودمان را بزیم. به همسایه‌های خودمان می‌گوییم چون شما پناه داده‌اید و پایگاه‌های آمریکا در کشورهای شما قرار دارد، آنها را می‌زدیم، ولی طرف مقابل امکانات ما را مانند برق و پتروشیمی می‌زند. میرلوحی با اشاره به مواضع جریان‌های تندرو گفت: متأسفانه بخشی از این ماجرا در طرف مقابل هم وجود دارد. نتانیاهو و ترامپ غول‌های طرف مقابل ماست. ولی در این طرف نیز برخی دوستان به‌گونه‌ای عمل می‌کنند که گویی جنگ طلب بوده و به دنبال بمب اتم و این مسائل هستند. او ادامه داد: اگر آنها نیز به این جمع‌بندی رسیده باشند و به مذاکره و گفت‌وگو رضایت بدهند، بسیار خوب است. نباید بگویند «بجنگ تا بجنبیم»، می‌توان جنگید و نشان داد که ملت ایران توانایی خود را دارد. مردم نیز یکبارچه ایستاده‌اند و مقابل دشمن مقاومت کرده‌اند و پرچم ایران در مقابل تجاوز خارجی مورد حمایت همه ملت قرار گرفته‌است. وی تأکید کرد: جنگ باید متوقف شود و باید از هر شیوه و راهی برای توقف آن استفاده کرد. این تفاهم‌نامه، اگرچه اکنون آقای ترامپ کرشمه می‌آید و پنهان می‌گیرد، ولی واقعیت این است که او نیز شرایط را متوجه شده است. آن خیالات و توهمات که درباره بردن ایران به عصر حجر داشت، عملی نیست.

◀ **شعاهادر تجمعات شبانه**

میرلوحی درباره مواضع سید جلیلی و سابقه مخالفت‌ها با مذاکره و توافق نیز اظهار کرد: گفته می‌شد از همان زمانی که شعار «حق مسلم ما» و این داستان‌ها را شروع کردند، به آن دامن زدند و تحریم‌ها را گذاخه‌ر خواندند. بالاخره‌زمان همین آقا بودند و ایشان در شورای امنیت ملی حضور داشتند. این داستان‌ها از همان جاشروع شد. وی ادامه داد: آقای احمدی‌نژاد نیز تحت تأثیر همین حرف‌ها آن شعارها را داد و شاید هزینه‌ها و قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ملت ما، از همین شعارها صادر شد. حالا خوب است که برگردند. وی افزود: دیدید که همین یک ماه پیش چگونه علیه رئیس جمهور شعار می‌دادند و چگونه سوار موج شدند؛ توهین‌ها و کلیک‌هایی علیه آقای رئیس جمهور، مذاکرات، وزارت خارجه و آقای قالیباف منتشر می‌کردند و دیگر آن شعارها را کمتر می‌دهند. این فعال سیاسی اصلاح طلب با بیان اینکه جامعه ایران جامعه‌ای متنوع است، گفت: مشکل ما این بود که اینها عملاً سردمدار صداوسیما، مراکز و تربیهن‌های اصلی بودند و موج‌هایی در کشور ایجاد می‌کردند که ملت به آنها پاسخ می‌داد. وی ادامه داد: در همین میدان‌ها و در میان تجمعات شبانه مردم شعار بمب اتم می‌دادند و مسائل دیگری را مطرح می‌کردند. بالاخره برای این کشور هزینه ایجاد می‌کردند. همین که این شعارها را ندهند، خوب است. میرلوحی تصریح کرد: اکنون جالب است که یک نفر در لندن نشسته و جزو همین عناصر و هواداران آنها، شعار «ایران اتمی» و «بمب اتم» می‌دهد. در ایران نیز همین‌طور؛ چند نماینده، چند عنصر و مداح، حالا همین که این حرف‌ها را نگویند، خوب است. او افزود: ایشان تنها کسی بود که در شورای عالی امنیت ملی رأی مخالف داد. همه رأی موافق دادند؛ از نظامی و دولتی و غیردولتی گرفته تا قوای مختلف در شورای عالی امنیت ملی. همه موافق بودند که بیاید و همراه شود.

شنبه ۱۴۰۵ ۰۶ ۱۴ ۲۳ ربيع الاول ۱۴۴۸ / ۰۵ سپتامبر ۲۰۲۶

سال هشتم

شماره ۲۴۶۵

«آرمان ملی» مهم‌ترین راه‌های کسب منافع ملی را بررسی می‌کند

مذاکره، مقاومت یا جنگ؛ اتخاذ موضع واحد

◀ **حسن روحانی: همه ملت باید پشت سر نیروهای مسلح و مذاکره‌کنندگان باشند**



را پذیرفته و بر آن متفق القول هستند در نظر گرفت و بر پایه آن سایر مسائل را پیش برد. در شرایط حاضر آنچه میان همه طرفین با انواع دیدگاه‌ها پذیرفته شده مفهوم ایران و حفظ تمامیت ارضی کشور است که همه بر آن آذعان دارند. حال در قدم بعدی باید بدین مساله پرداخت که نوع نگاه هر یک از طرفین به کسب منافع ملی چگونه است و چه پلان‌هایی را برای این مهم در نظر دارند. دولت، جریان حامی و اکثریت جامعه بر این عقیده‌اند که می‌توان از مسیر مذاکره و دیپلماسی به کسب منافع ملی آن هم در شرایط حساس کنونی پرداخت. اما بایین قید که اگر به هر دلیلی از طریق مذاکره و دیپلماسی آنچه مدنظر بود حاصل نشد پلن دوم این است که به سمت استفاده از میدان و قدرت نظامی حرکت کرد تا از این طریق ویرانه‌های پیش رونمافع ملی تامين شود، اما جریان دیگر مذاکره و دیپلماسی را مساوی با وادادگی می‌داند؛ لذا صرفاً یک پلن را روش را در دست دارد و بر آن تأکید می‌ورزد که مقاومت و جنگ‌است. صحبت این است که جریان موافق این دیدگاه به پلن جایگزینی برای جنگ دارند و قرار است جنگ تا کجا ادامه پیدا کند یا به بیان دیگر چقدر بقیف جنگ کجا است؟ جریان نخست دوگانه خود را برای مواجهه با دشمن در جهت کسب منافع ملی مشخص کرده است. به نظر می‌رسد اگر جریان دوم نیز روش دومی برای نوع مواجهه خود برگزیند با تجمیع این رویکردها

آرمان ملی- حمید شجاعی: منافع ملی همواره و در هر مقطعی باید سرلوحه کار مسئولان و مقامات کشور باشد و تمام تصمیمات و اقدامات را بر مبنای کسب هر چه بیشتر منافع ملی اتخاذ کنند. حال اینکه در بسیاری از مواقع نیز بوده و هستند کسانی که افراد و جریاناتی که تعریف خاص خود را از منافع ملی داشته‌اند و به عبارت دیگر آنطور که خواسته‌اند بر مبنای اهداف و منویات خود منافع ملی را تعریف کرده‌اند و از قضا همه را به رعایت آنچه تحت این عنوان منافع ملی خوانده‌اند دعوت می‌کنند. این در حالی است که منافع ملی مفهومی نیست که قرائت‌های مختلفی بر دارد و هر کسی از ظن خود برای آن تعریفی جداگانه و باب طبع ارائه دهد. لذا در تعریفی واحد منافع ملی به مجموعه اهداف، نیازها و ارزش‌هایی گفته می‌شود که بقای دولت- ملت، حاکمیت قانون، تمامیت ارضی کشور، امنیت شهروندان، رفاه اقتصادی، حفظ ارزش‌های ملی تاریخی فرهنگی و ارزش‌های بنیادین و جایگاه بین‌المللی کشور را تأمین می‌کند. به بیان دیگر در مفهوم منافع ملی کشور و ملت در راس همه تصمیم‌گیری‌ها، راهبردها و سیاست‌گذاری‌ها قرار دارند و همه ارکان حکومت باید بر مبنای تأمین بیشترین فایده برای کشور و ملت و جلوگیری از رسیدن کوچک‌ترین آسیبی به آنها تلاش کند. بااین تعریف می‌توان به تحلیل شرایط فعلی کشور و جامعه پرداخت. اینکه امروز در چه جایگاهی به لحاظ منطقه‌ای و بین‌المللی قرار داریم و در مسیر کسب منافع ملی باید چه اقداماتی صورت گیرد. در همین راستا دو دیدگاه وجود دارد. نخست؛ دیدگاهی که معتقد به دیپلماسی و مذاکره با طرف مقابل و کسب منافع ملی از این مسیر است و دوم، رویکردی که معتقد به کسب منافع ملی از مسیر جنگ و مقاومت است که هر کدام ادله خود را برای کسب هرچه بهتر منافع ملی از مسیر خاص خود مطرح می‌کنند، اما آنچه باعث می‌شود بهترین روش برای کسب منافع ملی اتخاذ شود نوعی همگرایی یا اشتراک نظر میان این دو دیدگاه است که باید بدان پرداخت.

◀ **نقشه جایگزین چیست؟** معمولاً رای رسیدن به اشتراک نظر باید دیدگاه میان دو جریان یا چند شخص با رویکردهای متفاوت باید ابتدا مبنای قضیه را که همه آن

armanmeli.ir

آرمان ملی

سیاست

گزارش

«آرمان ملی» از وضعیت جنوب لبنان گزارش می‌دهد

بیان آرزو به عنوان دستاورد صهیونیست‌ها

آرمان ملی- عماد موحّد: ارتش رژیم صهیونیستی پیوسته تلاش کرده که برای مرزهای شمالی سرزمین‌های اشغالی محدوده‌ای امنیتی تعیین کند. از نظر اسرائیل حتی شاید بتوان همان سناریوی اجرا شده در بلندی‌های جولان را در جنوب لبنان پیاده کرد. درگیری از زمانی که جنگ بین حزب... و ارتش رژیم صهیونیستی آغاز شد، کمابیش ادامه داشته است. حمایت ایران از توقف جنگ در جنوب لبنان از سوی سیاستمداران نزدیک به کشورهای عربی واژگونه تعبیر شد. از نگاه آنها حمایت ایران از توقف درگیری در لبنان برای حفظ توان رزم حزب... لبنان بوده است. اسرائیل با وجود مذاکراتی که با طرف لبنانی داشت، دست از تجاوز نکشید و حالا در برخی رسانه‌ها تصرف علی‌الظاهر منتشر شده است. به نوشته الجزیره؛ بنیامین نتانیاہو مدعی شد ارتفاعات علی‌الظاهر در جنوب لبنان دیگر تهدیدی برای اسرائیل محسوب نمی‌شود. وی همچنین مدعی شد که نظامیان صهیونیست، شمار زیادی از شبه‌نظامیان را در این منطقه از بین برده‌اند. ارتفاعات علی‌الظاهر طی ماه‌های اخیر به یکی از نقاط اصلی درگیری میان اسرائیل و رزمندگان حزب... تبدیل شده و اسرائیل بارها آن را هدف حملات هوایی و توپخانه‌ای قرار داد. بعد از یک دور کشمکش سرانجام ارتش رژیم صهیونیستی مدعی شد که به صورت عملیاتی بر زیرساخت‌های وابسته به حزب... در ارتفاعات علی‌الظاهر در جنوب لبنان مسلط شده است. ارتش رژیم صهیونیستی مدعی شد؛ ما طی ساعات گذشته توانستیم زیرساخت‌های متعلق به حزب... را در ارتفاعات علی‌الظاهر در جنوب لبنان به کنترل عملیاتی خود درآوردیم. حزب... هنوز به این ادعای رژیم صهیونیستی واکنش نشان نداده است. منابع لبنانی پیش از این اعلام کردند که ارتش اشغالگر ارتفاعات علی‌الظاهر را در شهرستان نبطیة هدف حمله پهپادی قرار داده و انفجاری نیز در شهرک المنصوروی رخ داده است. در سوی دیگر ایهاب حماده، نماینده حزب... تصریح کرد: اسرائیل هیچ تصویری مبنی بر تصرف تپه علی‌الظاهر یا سلاح‌های لجستیکی که به آن اشاره کرده، منتشر نکرده است، به خصوص با توجه به ادعاهایش مبنی بر کشتن تعداد زیادی از مبارزان و فرار دیگران. چگونه چنین چیزی ممکن است در حالی که از هوا و زمین کنترل شدیدی بر آن دارد؟ حماده معتقد است که «اسرائیل در تلاش است تپه علی‌الظاهر را به عنوان آخرین دژ حزب... به تصویر بکشد تا نتانیاهو بتواند از آن به عنوان یک کارت انتخاباتی سوءاستفاده کند. بااین حال، مانند هر مکان یا تپه دیگری در جنوب لبنان، ارزش وجودی مقدس خود را دارد. اسرائیل بر آن از نظر نظامی فاجعه نیست و پایان راه نیز نیست، به ویژه از زمانی که مقاومت در علی‌الظاهر موضع حماسی خود را نشان داد، اما اکنون خطوط قرمزی برای تعیین مسیر اقدام اسرائیل وجود دارد.

◀ **ریشه‌های عمیق حزب...**

اهمیت ارتفاعات علی‌الظاهر را نباید صرفاً در چند کیلومتر مربع زمین یا حتی در ارزش نظامی یک موقعیت مرتفع جست‌وجو کرد. اهمیت واقعی این منطقه در پیامد‌هایی است که کنترل آن می‌تواند برای معادله امنیتی جنوب لبنان و در سطحی وسیع‌تر برای موازنه میان اسرائیل و حزب... داشته باشد. از این منظر، علی‌الظاهر را باید نه یک نقطه منفرد، بلکه بخشی از یک پازل بزرگ‌تر دید؛ پازلی که در آن جغرافیا، عمق دفاعی، بازدارندگی و آینده حضور نظامی حزب... در جنوب لبنان به یکدیگر پیوند خورده‌اند. نخستین پیامد راهبردی کنترل این ارتفاعات، تغییر در محیط عملیاتی جنوب لبنان است. ارتفاعات در جنگ تنها ارزش نمادین ندارند؛ می‌توانند بر دیده‌بانی، شناسایی، تحرک نیروها و کنترل مسیرهای ارتباطی اثر بگذارند. بنابراین اگر اسرائیل بتواند حضور خود در علی‌الظاهر را تثبیت کند، مسئله فقط از دست رفتن یک موضع دفاعی برای حزب... نیست، بلکه بخشی از محیطی که این گروه در آن طی سال‌ها برای خود عمق دفاعی ایجاد کرده و پرورش داده، تغییر خواهد کرد. پیامد مهم‌تر در سطح بازدارندگی ظاهر می‌شود. بازدارندگی صرفاً به تعداد موشک‌های یا نیروهای نظامی وابسته نیست؛ به این نیز بستگی دارد که هر طرف تا چه اندازه بتواند به طرف مقابل نشان دهد که در صورت عبور از خطوط قرمز، هزینه قابل توجهی به او تحمیل خواهد شد. اگر اسرائیل بتواند مواضع مهمی در جنوب لبنان را در اختیار بگیرد و آنها را حفظ کند، حزب... نسبت به گذشته کاهش یافته است و در مقابل، اگر هدفش مناطق برای اسرائیل به یک عملیات طولانی، برهزینه و فرسایشی تبدیل شود، نتیجه می‌تواند کاملاً متفاوت باشد. با توجه به ماهیت رژیم صهیونیستی و شرایط اسفناک نتانیاهو مقارن انتخابات داخلی اسرائیل موجب شده که بعضی سخنان بازتاب آرزوها و آمال صهیونیست‌ها و بخصوص نتانیاهو باشد. اگر اسرائیل می‌توانست این تپه استراتژیک را آنطور که مدعی شده تصرف کند، تاکنون روایت‌های روشنی از آن به مطبوعات و رسانه‌ها راه می‌یافت اما به گفته نماینده حزب... چنین نیست و هنوز اسرائیل تصاویری ارائه نکرده است. بااین حال ممکن است در ساعات یا روزهایی ارتش صهیونیستی به بخش‌هایی از این تپه نزدیک شده باشد، اما باید بین تصرف و تثبیت تفاوت گذاشت. در مناعات نظامی، گرفتن یک ارتفاع یک مسأله است و حفظ آن در برابر فشار نظامی و سیاسی طرف مقابل مسأله‌ای دیگر. اهمیت واقعی علی‌الظاهر زمانی روشن‌تر خواهد شد که مشخص شود کنترل آن تا چه اندازه پایدار است و آیا این کنترل می‌تواند به تغییر ماندگار در آرایش نیروها منجر شود یا خیر. حزب... بخشی از قدرت خود را بر پایه ترکیب توان موشکی، شبکه زمینی، زیرساخت‌های پنهان و شناخت جغرافیای جنوب لبنان بنا کرده و هر تغییری در جغرافیای عملیاتی جنوب، بالقوه بخشی از این مزیت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بااین حال، نباید از این واقعیت به این نتیجه رسید که از دست رفتن یک منطقه به معنای از بین رفتن توان نظامی حزب... است. گروهی با ساختار تجربی و شبکه‌ای گسترده را نمی‌توان صرفاً با تغییر کنترل یک ارتفاع از معادله حذف کرد.

مذاکره کند. هر که مسئول مذاکره است، فرق نمی‌کند، همه باید پشت سر آنها باشیم. کما اینکه پشت سر نیروهای مسلح هم باید باشیم، فرق نمی‌کند. همه احساس کنند نیروی مسلح مال خودشان است. این جنگ مال خودشان است. مقاومت و ایستادگی مال خودشان است. روحانی با بیان اینکه جنگ باید عزتمندانه پایان یپذیرد، افزود: ما باید طبق نظر اکثریت قاطع مردم جنگ را عزتمندانه پایان بدهیم تا بتوانیم کشور را بسازیم تا جوان ما به آینده کشور خودش امیدوار شود. یک اقلیت که حالا بوق و بلندگو در دست آن‌هاست دارند سروصدا می‌کنند، این‌ها غیر از اکثریت جامعه ما هستند. اکثریت را ما می‌توانیم به راحتی تشخیص بدهیم. به هر حال، امروز در شرایطی هستیم که البته باید خودمان را برای دفاع آماده کنیم. دشمن ممکن است سر فرود نیاورد. ممکن است دشمن نیاید پای میز مذاکره، حالا این بحث دیگری است و در آن شرایط ما باید ایستادگی کنیم. رئیس‌جمهور پیشین تأکید کرد: اسوه و الگو باید اخلاق، راه و دستورات و شیوه حکمرانی پیامبر باشد. آن پیغمبری که اساس حکومتش را بر پیمان نهاد. ظاهر بعضی‌ها از پیمان بدشان می‌آید؛ اما مذاکره بدشان می‌آید. می‌گویند هرچه گفتیم طرف مقابل باید تسلیم محض ما باشد. البته اگر شدنی باشد خوب است اما اگر نشد چه؟ تا چه زمانی باید ادامه بدهیم؟ اول چارچوب اهداف ملی برای خودمان روشن باشد و بعد هم عرضه کنیم به مردم. بگوییم مردم! قرار ما این است که با قدرت‌های بزرگ جهانی ۲۰ سال دیگر بجنبیم، اگر مردم گفتند ما قبول داریم خیلی هم خوب است برویم ادامه بدهیم، اما اگر مردم نپذیرفتند و راه دیگری را نشان ما دادند، آیا ما نمی‌خواهیم بپذیریم؟ وی تصریح کرد: اگر می‌خواهیم امروز دیپلماسی ما به جلو حرکت کند، باید همه بخش‌ها در کنار دیپلماسی باشند. دیپلماسی وقتی موفق است که طرف مقابل حس کند که هر که می‌خواهد مذاکره کند. هر که مسئول مذاکره است، فرق نمی‌کند، همه باید پشت سر آنها باشیم. کما اینکه پشت سر نیروهای مسلح هم باید باشیم، فرق نمی‌کند. نیروهای مسلح ما هم شبانه‌روز فداکاری می‌کنند، تلاش می‌کنند و حتی باید با همه توان به کمک آنها باشند.

و تأکید بر اشتراکات آنها بتوان رویکرد واحد و ثابتی را در جهت مواجهه با دشمن در جهت کسب حداکثر منافع ملی اتخاذ کرده و همه را نیز به حمایت از این رویکرد واحد فراخواند.

◀ **پیمان و مذاکره**

رئیس‌جمهور دوره‌های یازدهم و دوازدهم، توطئه‌انخیز ترامپ برای جنگ جدید اقتصادی علیه ایران را محکوم به شکست دانست و گفت: باز هم با شکست، ایستادگی و مقاومت مردم، دولت و کشور ما در برابر این توطئه تسلیم نخواهد شد و من تردید ندارم بسیاری از کشورهای دنیا هستند که در برابر ترامپ ایستادگی خواهند کرد و با ایران مبادلات خودشان را ادامه می‌دهند. حجت‌الاسلام حسن روحانی با انتقاد از ایجاد دو قطبی‌های بی‌اساس و نادرست در جامعه گفت: یکی فکر می‌کند اگر از دیپلماسی حمایت کند، معنی‌اش این است که نمی‌خواهد از نیروهای مسلح حمایت کند. مگر این‌ها با هم منافات دارند؟ نیروی مسلح برای کشور کار می‌کند، دیپلماسی هم برای کشور کار می‌کند، موشک هم برای کشور کار می‌کند. اصلاً این‌ها اگر با هم نباشند، مسأله حل نمی‌شود. وی افزود: اگر می‌خواهیم امروز دیپلماسی ما به جلو حرکت بکند، باید همه بخش‌ها در کنار دیپلماسی باشند. دیپلماسی وقتی موفق است که طرف مقابل حس کند که کل ملت ایران، پشت سر این آقایان است. حالا هر که می‌خواهد

«آرمان ملی» پیشنهاد حسین شریعتمداری را بررسی می‌کند

قطع کابل؛ ضربه به آمریکا یا منطقه؟

شری‌عتمداری، فرض کنیم اصل استفاده از کابل‌های فیبر نوری به عنوان اهرم فشار پذیرفته شده و مورد اجماع همه جریان‌های سیاسی و مسئولان کشور باشد، سؤال این است که از نظر شما نقطه‌ای که در آن «اهرم فشار بر دشمن» به «آسیب به خودمان و کشورهای دوست و همسایه» تبدیل می‌شود چیست؟ دیگر اینکه اگر هدف، وارد کردن هزینه به آمریکا و متحدانش باشد، آیا میان قطع کابل‌هایی که بخشی از ترافیک جهانی را حمل می‌کنند و ضربه زدن مشخص به زیرساخت‌های طرف مقابل تفاوتی نیست؟ چون در حالت اول، ظاهر آدامنه آسیب فقط به طرف مقابل محدود نمی‌ماند. کشوری که می‌خواهد علیه آمریکا با ما همراه شود، اگر نخستین تجربه‌اش از این اقدام، قطع اینترنت و اختلال بانکی و تجاری باشد، آیا به ایران نزدیک‌تر می‌شود؟ سوال مهم‌تر اینکه اگر قطع این کابل‌ها باعث اختلال جدی در ارتباطات بانکی، تجاری، اینترنتی و خدمات دیجیتال در ارتباطات منطقه، از جمله کشورهایی شود که در این جنگ طرف ما نیستند، آیا این کشورها در نهایت آمریکا را مقصر می‌دانند یا ما را؟ از نتیجه دوم باشد، آیا این اقدام به جای منزوی کردن آمریکا، نمی‌تواند برای آن کشورها انگیزه بیشتری برای همکاری با آمریکا علیه ایران ایجاد کند؟ آنهم در حالی که به درستی باید آنها را روشن کرد تا خوی جانیکارانه آمریکا را درک کنند و به مقابله با آن برخیزند. با نظر به نوع نگرش حسین شریعتمداری به مسائل امنیتی کشور، کاهش مدیرمسئول کیهان به این سوال هم پاسخ دهد که آیا این احتمال وجود ندارد که در شرایط خاص مرز بین توانایی وارد کردن خسارت با توانایی تبدیل آن خسارت به دستاورد سیاسی، از بین رفته باشد؟ تصور می‌کنم اینجا به جای منزوی کردن آمریکا، نمی‌تواند برای آن کشورها انگیزه بیشتری برای همکاری با آمریکا علیه ایران ایجاد کند؟ آنهم در حالی که به درستی باید آنها را روشن کرد تا خوی جانیکارانه آمریکا را درک کنند و به مقابله با آن برخیزند. با نظر به نوع نگرش حسین شریعتمداری به مسائل امنیتی کشور، کاهش مدیرمسئول کیهان به این سوال هم پاسخ دهد که آیا این احتمال وجود ندارد که در شرایط خاص مرز بین توانایی وارد کردن خسارت با توانایی تبدیل آن خسارت به دستاورد سیاسی، از بین رفته باشد؟ تصور می‌کنم اینجا به جای منزوی کردن آمریکا، نمی‌تواند برای آن کشورها انگیزه بیشتری برای همکاری با آمریکا علیه ایران ایجاد کند؟ آنهم در حالی که به درستی باید آنها را روشن کرد تا خوی جانیکارانه آمریکا را درک کنند و به مقابله با آن برخیزند. با نظر به نوع نگرش حسین شریعتمداری به مسائل امنیتی کشور، کاهش مدیرمسئول کیهان به این سوال هم پاسخ دهد که آیا این احتمال وجود ندارد که در شرایط خاص مرز بین توانایی وارد کردن خسارت با توانایی تبدیل آن خسارت به دستاورد سیاسی، از بین رفته باشد؟ تصور می‌کنم اینجا به جای منزوی کردن آمریکا، نمی‌تواند برای آن کشورها انگیزه بیشتری برای همکاری با آمریکا علیه ایران ایجاد کند؟ آنهم در حالی که به درستی باید آنها را روشن کرد تا خوی جانیکارانه آمریکا را درک کنند و به مقابله با آن برخیزند. با نظر به نوع نگرش حسین شریعتمداری به مسائل امنیتی کشور، کاهش مدیرمسئول کیهان به این سوال هم پاسخ دهد که آیا این احتمال وجود ندارد که در شرایط خاص مرز بین توانایی وارد کردن خسارت با توانایی تبدیل آن خسارت به دستاورد سیاسی، از بین رفته باشد؟ تصور می‌کنم اینجا به جای منزوی کردن آمریکا، نمی‌تواند برای آن کشورها انگیزه بیشتری برای همکاری با آمریکا علیه ایران ایجاد کند؟ آنهم در حالی که به درستی باید آنها را روشن کرد تا خوی جانیکارانه آمریکا را درک کنند و به مقابله با آن برخیزند. با نظر به نوع نگرش حسین شریعتمداری به مسائل امنیتی کشور، کاهش مدیرمسئول کیهان به این سوال هم پاسخ دهد که آیا این احتمال وجود ندارد که در شرایط خاص مرز بین توانایی وارد کردن خسارت با توانایی تبدیل آن خسارت به دستاورد سیاسی، از بین رفته باشد؟ تصور می‌کنم اینجا به جای منزوی کردن آمریکا، نمی‌تواند برای آن کشورها انگیزه بیشتری برای همکاری با آمریکا علیه ایران ایجاد کند؟ آنهم در حالی که به درستی باید آنها را روشن کرد تا خوی جانیکارانه آمریکا را درک کنند و به مقابله با آن برخیزند. با نظر به نوع نگرش حسین شریعتمداری به مسائل امنیتی کشور، کاهش مدیرمسئول کیهان به این سوال هم پاسخ دهد که آیا این احتمال وجود ندارد که در شرایط خاص مرز بین توانایی وارد کردن خسارت با توانایی تبدیل آن خسارت به دستاورد سیاسی، از بین رفته باشد؟ تصور می‌کنم اینجا به جای منزوی کردن آمریکا، نمی‌تواند برای آن کشورها انگیزه بیشتری برای همکاری با آمریکا علیه ایران ایجاد کند؟ آنهم در حالی که به درستی باید آنها را روشن کرد تا خوی جانیکارانه آمریکا را درک کنند و به مقابله با آن برخیزند. با نظر به نوع نگرش حسین شریعتمداری به مسائل امنیتی کشور، کاهش مدیرمسئول کیهان به این سوال هم پاسخ دهد که آیا این احتمال وجود ندارد که در شرایط خاص مرز بین توانایی وارد کردن خسارت با توانایی تبدیل آن خسارت به دستاورد سیاسی، از بین رفته باشد؟ تصور می‌کنم اینجا به جای منزوی کردن آمریکا، نمی‌تواند برای آن کشورها انگیزه بیشتری برای همکاری با آمریکا علیه ایران ایجاد کند؟ آنهم در حالی که به درستی باید آنها را روشن کرد تا خوی جانیکارانه آمریکا را درک کنند و به مقابله با آن برخیزند. با نظر به نوع نگرش حسین شریعتمداری به مسائل امنیتی کشور، کاهش مدیرمسئول کیهان به این سوال هم پاسخ دهد که آیا این احتمال وجود ندارد که در شرایط خاص مرز بین توانایی وارد کردن خسارت با توانایی تبدیل آن خسارت به دستاورد سیاسی، از بین رفته باشد؟ تصور می‌کنم اینجا به جای منزوی کردن آمریکا، نمی‌تواند برای آن کشورها انگیزه بیشتری برای همکاری با آمریکا علیه ایران ایجاد کند؟ آنهم در حالی که به درستی باید آنها را روشن کرد تا خوی جانیکارانه آمریکا را درک کنند و به مقابله با آن برخیزند. با نظر به نوع نگرش حسین شریعتمداری به مسائل امنیتی کشور، کاهش مدیرمسئول کیهان به این سوال هم پاسخ دهد که آیا این احتمال وجود ندارد که در شرایط خاص مرز بین توانایی وارد کردن خسارت با توانایی تبدیل آن خسارت به دستاورد سیاسی، از بین رفته باشد؟ تصور می‌کنم اینجا به جای منزوی کردن آمریکا، نمی‌تواند برای آن کشورها انگیزه بیشتری برای همکاری با آمریکا علیه ایران ایجاد کند؟ آنهم در حالی که به درستی باید آنها را روشن کرد تا خوی جانیکارانه آمریکا را درک کنند و به مقابله با آن برخیزند. با نظر به نوع نگرش حسین شریعتمداری به مسائل امنیتی کشور، کاهش مدیرمسئول کیهان به این سوال هم پاسخ دهد که آیا این احتمال وجود ندارد که در شرایط خاص مرز بین توانایی وارد کردن خسارت با توانایی تبدیل آن خسارت به دستاورد سیاسی، از بین رفته باشد؟ تصور می‌کنم اینجا به جای منزوی کردن آمریکا، نمی‌تواند برای آن کشورها انگیزه بیشتری برای همکاری با آمریکا علیه ایران ایجاد کند؟ آنهم در حالی که به درستی باید آنها را روشن کرد تا خوی جانیکارانه آمریکا را درک کنند و به مقابله با آن برخیزند. با نظر به نوع نگرش حسین شریعتمداری به مسائل امنیتی کشور، کاهش مدیرمسئول کیهان به این سوال هم پاسخ دهد که آیا این احتمال وجود ندارد که در شرایط خاص مرز بین توانایی وارد کردن خسارت با توانایی تبدیل آن خسارت به دستاورد سیاسی، از بین رفته باشد؟ تصور می‌کنم اینجا به جای منزوی کردن آمریکا، نمی‌تواند برای آن کشورها انگیزه بیشتری برای همکاری با آمریکا علیه ایران ایجاد کند؟ آنهم در حالی که به درستی باید آنها را روشن کرد تا خوی جانیکارانه آمریکا را درک کنند و به مقابله با آن برخیزند. با نظر به نوع نگرش حسین شریعتمداری به مسائل امنیتی کشور، کاهش مدیرمسئول کیهان به این سوال هم پاسخ دهد که آیا این احتمال وجود ندارد که در شرایط خاص مرز بین توانایی وارد کردن خسارت با توانایی تبدیل آن خسارت به دستاورد سیاسی، از بین رفته باشد؟ تصور می‌کنم اینجا به جای منزوی کردن آمریکا، نمی‌تواند برای آن کشورها انگیزه بیشتری برای همکاری با آمریکا علیه ایران ایجاد کند؟ آنهم در حالی که به درستی باید آنها را روشن کرد تا خوی جانیکارانه آمریکا را درک کنند و به مقابله با آن برخیزند. با نظر به نوع نگرش حسین شریعتمداری به مسائل امنیتی کشور، کاهش مدیرمسئول کیهان به این سوال هم پاسخ دهد که آیا این احتمال وجود ندارد که در شرایط خاص مرز بین توانایی وارد کردن خسارت با توانایی تبدیل آن خسارت به دستاورد سیاسی، از بین رفته باشد؟ تصور می‌کنم اینجا به جای منزوی کردن آمریکا، نمی‌تواند برای آن کشورها انگیزه بیشتری برای همکاری با آمریکا علیه ایران ایجاد کند؟ آنهم در حالی که به درستی باید آنها را روشن کرد تا خوی جانیکارانه آمریکا را درک کنند و به مقابله با آن برخیزند. با نظر به نوع نگرش حسین شریعتمداری به مسائل امنیتی کشور، کاهش مدیرمسئول کیهان به این سوال هم پاسخ دهد که آیا این احتمال وجود ندارد که در شرایط خاص مرز بین توانایی وارد کردن خسارت با توانایی تبدیل آن خسارت به دستاورد سیاسی، از بین رفته باشد؟ تصور می‌کنم اینجا به جای منزوی کردن آمریکا، نمی‌تواند برای آن کشورها انگیزه بیشتری برای همکاری با آمریکا علیه ایران ایجاد کند؟ آنهم در حالی که به درستی باید آنها را روشن کرد تا خوی جانیکارانه آمریکا را درک کنند و به مقابله با آن برخیزند. با نظر به نوع نگرش حسین شریعتمداری به مسائل امنیتی کشور، کاهش مدیرمسئول کیهان به این سوال هم پاسخ دهد که آیا این احتمال وجود ندارد که در شرایط خاص مرز بین توانایی وارد کردن خسارت با توانایی تبدیل آن خسارت به دستاورد سیاسی، از بین رفته باشد؟ تصور می‌کنم اینجا به جای منزوی کردن آمریکا، نمی‌تواند برای آن کشورها انگیزه بیشتری برای همکاری با آمریکا علیه ایران ایجاد کند؟ آنهم در حالی که به درستی باید آنها را روشن کرد تا خوی جانیکارانه آمریکا را درک کنند و به مقابله با آن برخیزند. با نظر به نوع نگرش حسین شریعتمداری به مسائل امنیتی کشور، کاهش مدیرمسئول کیهان به این سوال هم پاسخ دهد که آیا این احتمال وجود ندارد که در شرایط خاص مرز بین توانایی وارد کردن خسارت با توانایی تبدیل آن خسارت به دستاورد سیاسی، از بین رفته باشد؟ تصور می‌کنم اینجا به جای منزوی کردن آمریکا، نمی‌تواند برای آن کشورها انگیزه بیشتری برای همکاری با آمریکا علیه ایران ایجاد کند؟ آنهم در حالی که به درستی باید آنها را روشن کرد تا خوی جانیکارانه آمریکا را درک کنند و به مقابله با آن برخیزند. با نظر به نوع نگرش حسین شریعتمداری به مسائل امنیتی کشور، کاهش مدیرمسئول کیهان به این سوال هم پاسخ دهد که آیا این احتمال وجود ندارد که در شرایط خاص مرز بین توانایی وارد کردن خسارت با توانایی تبدیل آن خسارت به دستاورد سیاسی، از بین رفته باشد؟ تصور می‌کنم اینجا به جای منزوی کردن آمریکا، نمی‌تواند برای آن کشورها انگیزه بیشتری برای همکاری با آمریکا علیه ایران ایجاد کند؟ آنهم در حالی که به درستی باید آنها را روشن کرد تا خوی جانیکارانه آمریکا را درک کنند و به مقابله با آن برخیزند. با نظر به نوع نگرش حسین شریعتمداری به مسائل امنیتی کشور، کاهش مدیرمسئول کیهان به این سوال هم پاسخ دهد که آیا این احتمال وجود ندارد که در شرایط خاص مرز بین توانایی وارد کردن خسارت با توانایی تبدیل آن خسارت به دستاورد سیاسی، از بین رفته باشد؟ تصور می‌کنم اینجا به جای منزوی کردن آمریکا، نمی‌تواند برای آن کشورها انگیزه بیشتری برای همکاری با آمریکا علیه ایران ایجاد کند؟ آنهم در حالی که به درستی باید آنها را روشن کرد تا خوی جانیکارانه آمریکا را درک کنند و به مقابله با آن برخیزند. با نظر به نوع نگرش حسین شریعتمداری به مسائل امنیتی کشور، کاهش مدیرمسئول کیهان به این سوال هم پاسخ دهد که آیا این احتمال وجود ندارد که در شرایط خاص مرز بین توانایی وارد کردن خسارت با توانایی تبدیل آن خسارت به دستاورد سیاسی، از بین رفته باشد؟ تصور می‌کنم اینجا به جای منزوی کردن آمریکا، نمی‌تواند برای آن کشورها انگیزه بیشتری برای همکاری با آمریکا علیه ایران ایجاد کند؟ آنهم در حالی که به درستی باید آنها را روشن کرد تا خوی جانیکارانه آمریکا را درک کنند و به مقابله با آن برخیزند. با نظر به نوع نگرش حسین شریعتمداری به مسائل امنیتی کشور، کاهش مدیرمسئول کیهان به این سوال هم پاسخ دهد که آیا این احتمال وجود ندارد که در شرایط خاص مرز بین توانایی وارد کردن خسارت با توانایی تبدیل آن خسارت به دستاورد سیاسی، از بین رفته باشد؟ تصور می‌کنم اینجا به جای منزوی کردن آمریکا، نمی‌تواند برای آن کشورها انگیزه بیشتری برای همکاری با آمریکا علیه ایران ایجاد کند؟ آنهم در حالی که به درستی باید آنها را روشن کرد تا خوی جانیکارانه آمریکا را درک کنند و به مقابله با آن برخیزند. با نظر به نوع نگرش حسین شریعتمداری به مسائل امنیتی کشور، کاهش مدیرمسئول کیهان به این سوال هم پاسخ دهد که آیا این احتمال وجود ندارد که در شرایط خاص مرز بین توانایی وارد کردن خسارت با توانایی تبدیل آن خسارت به دستاورد سیاسی، از بین رفته باشد؟ تصور می‌کنم اینجا به جای منزوی کردن آمریکا، نمی‌تواند برای آن کشورها انگیزه بیشتری برای همکاری با آمریکا علیه ایران ایجاد کند؟ آنهم در حالی که به درستی باید آنها را روشن کرد تا خوی جانیکارانه آمریکا را درک کنند و به مقابله با آن برخیزند. با نظر به نوع نگرش حسین شریعتمداری به مسائل امنیتی کشور، کاهش مدیرمسئول کیهان به این سوال هم پاسخ دهد که آیا این احتمال وجود ندارد که در شرایط خاص مرز بین توانایی وارد کردن خسارت با توانایی تبدیل آن خسارت به دستاورد سیاسی، از بین رفته باشد؟ تصور می‌کنم اینجا به جای منزوی کردن آمریکا، نمی‌تواند برای آن کشورها انگیزه بیشتری برای همکاری با آمریکا علیه ایران ایجاد کند؟ آنهم در حالی که به درستی باید آنها را روشن کرد تا خوی جانیکارانه آمریکا را درک کنند و به مقابله با آن برخیزند. با نظر به نوع نگرش حسین شریعتمداری به مسائل امنیتی کشور، کاهش مدیرمسئول کیهان به این سوال هم پاسخ دهد که آیا این احتمال وجود ندارد که در شرایط خاص مرز بین توانایی وارد کردن خسارت با توانایی تبدیل آن خسارت به دستاورد سیاسی، از بین رفته باشد؟ تصور می‌کنم اینجا به جای منزوی کردن آمریکا، نمی‌تواند برای آن کشورها انگیزه بیشتری برای همکاری با آمریکا علیه ایران ایجاد کند؟ آنهم در حالی که به درستی باید آنها را روشن کرد تا خوی جانیکارانه آمریکا را درک کنند و به مقابله با آن برخیزند. با نظر به نوع نگرش حسین شریعتمداری به مسائل امنیتی کشور، کاهش مدیرمسئول کیهان به این سوال هم پاسخ دهد که آیا این احتمال وجود ندارد که در شرایط خاص مرز بین توانایی وارد کردن خسارت با توانایی تبدیل آن خسارت به دستاورد سیاسی، از بین رفته باشد؟ تصور می‌کنم اینجا به جای منزوی کردن آمریکا، نمی‌تواند برای آن کشورها انگیزه بیشتری برای همکاری با آمریکا علیه ایران ایجاد کند؟ آنهم در حالی که به درستی باید آنها را روشن کرد تا خوی جانیکارانه آمریکا را درک کنند و به مقابله با آن برخیزند. با نظر به نوع نگرش حسین شریعتمداری به مسائل امنیتی کشور، کاهش مدیرمسئول کیهان به این سوال هم پاسخ دهد که آیا این احتمال وجود ندارد که در شرایط خاص مرز بین توانایی وارد کردن خسارت با توانایی تبدیل آن خسارت به دستاورد سیاسی، از بین رفته باشد؟ تصور می‌کنم اینجا به جای منزوی کردن آمریکا، نمی‌تواند برای آن کشورها انگیزه بیشتری برای همکاری با آمریکا علیه ایران ایجاد کند؟ آنهم در حالی که به درستی باید آنها را روشن کرد تا خوی جانیکارانه آمریکا را درک کنند و به مقابله با آن برخیزند. با نظر به نوع نگرش حسین شریعتمداری به مسائل امنیتی کشور، کاهش مدیرمسئول کیهان به این سوال هم پاسخ دهد که آیا این احتمال وجود ندارد که در شرایط خاص مرز بین توانایی وارد کردن خسارت با توانایی تبدیل آن خسارت به دستاورد سیاسی، از بین رفته باشد؟ تصور می‌کنم اینجا به جای منزوی کردن آمریکا، نمی‌تواند برای آن کشورها انگیزه بیشتری برای همکاری با آمریکا علیه ایران ایجاد کند؟ آنهم در حالی که به درستی باید آنها را روشن کرد تا خوی جانیکارانه آمریکا را درک کنند و به مقابله با آن برخیزند. با نظر به نوع نگرش حسین شریعتمداری به مسائل امنیتی کشور، کاهش مدیرمسئول کیهان به این سوال هم پاسخ دهد که آیا این احتمال وجود ندارد که در شرایط خاص مرز بین توانایی وارد کردن خسارت با توانایی تبدیل آن خسارت به دستاورد سیاسی، از بین رفته باشد؟ تصور می‌کنم اینجا به جای منزوی کردن آمریکا، نمی‌تواند برای آن کشورها انگیزه بیشتری برای همکاری با آمریکا علیه ایران ایجاد کند؟ آنهم در حالی که به درستی باید آنها را روشن کرد تا خوی جانیکارانه آمریکا را درک کنند و به مقابله با آن برخیزند. با نظر به نوع نگرش حسین شریعتمداری به مسائل امنیتی کشور، کاهش مدیرمسئول کیهان به این سوال هم پاسخ دهد که آیا این احتمال وجود ندارد که در شرایط خاص مرز بین توانایی وارد کردن خسارت با توانایی تبدیل آن خسارت به دستاورد سیاسی، از بین رفته باشد؟ تصور می‌کنم اینجا به جای منزوی کردن آمریکا، نمی‌تواند برای آن کشورها انگیزه بیشتری برای همکاری با آمریکا علیه ایران ایجاد کند؟ آنهم در حالی که به درستی باید آنها را روشن کرد تا خوی جانیکارانه آمریکا را درک کنند و به مقابله با آن برخیزند. با نظر به نوع نگرش حسین شریعتمداری به مسائل امنیتی کشور، کاهش مدیرمسئول کیهان به این سوال هم پاسخ دهد که آیا این احتمال وجود ندارد که در شرایط خاص مرز بین توانایی وارد کردن خسارت با توانایی تبدیل آن خسارت به دستاورد سیاسی، از بین رفته باشد؟ تصور می‌کنم اینجا به جای منزوی کردن آمریکا، نمی‌تواند برای آن کشورها انگیزه بیشتری برای همکاری با آمریکا علیه ایران ایجاد کند؟ آنهم در حالی که به درستی باید آنها را روشن کرد تا خوی جانیکارانه آمریکا را درک کنند و به مقابله با آن برخیزند. با نظر به نوع نگرش حسین شریعتمداری به مسائل امنیتی کشور، کاهش مدیرمسئول کیهان به این سوال هم پاسخ دهد که آیا این احتمال وجود ندارد که در شرایط خاص مرز بین توانایی وارد کردن خسارت با توانایی تبدیل آن خسارت به دستاورد سیاسی، از بین رفته باشد؟ تصور می‌کنم اینجا به جای منزوی کردن آمریکا، نمی‌تواند برای آن کشورها انگیزه بیشتری برای همکاری با آمریکا علیه ایران ایجاد کند؟ آنهم در حالی که به درستی باید آنها را روشن کرد تا خوی جانیکارانه آمریکا را درک کنند و به مقابله با آن برخیزند. با نظر به نوع نگرش حسین شریعتمداری به مسائل امنیتی کشور، کاهش مدیرمسئول کیهان به این سوال هم پاسخ دهد که آیا این احتمال وجود ندارد که در شرایط خاص مرز بین توانایی وارد کردن خسارت با توانایی تبدیل آن خسارت به دستاورد سیاسی، از بین رفته باشد؟ تصور می‌کنم اینجا به جای منزوی کردن آمریکا، نمی‌تواند برای آن کشورها انگیزه بیشتری برای همکاری با آمریکا علیه ایران ایجاد کند؟ آنهم در حالی که به درستی باید آنها را روشن کرد تا خوی جانیکارانه آمریکا را درک کنند و به مقابله با آن برخیزند. با نظر به نوع نگرش حسین شریعتمداری به مسائل امنیتی کشور، کاهش مدیرمسئول کیهان به این سوال هم پاسخ دهد که آیا این احتمال وجود ندارد که در شرایط خاص مرز بین توانایی وارد کردن خسارت با توانایی تبدیل آن خسارت به دستاورد سیاسی، از بین رفته باشد؟ تصور می‌کنم اینجا به جای منزوی کردن آمریکا، نمی‌تواند برای آن کشورها انگیزه بیشتری برای همکاری با آمریکا علیه ایران ایجاد کند؟ آنهم در حالی که به درستی باید آنها را روشن کرد تا خوی جانیکارانه آمریکا را درک کنند و به مقابله با آن برخیزند. با نظر به نوع نگرش حسین شریعتمداری به مسائل امنیتی کشور، کاهش مدیرمسئول کیهان به این سوال هم پاسخ دهد که آیا این احتمال وجود ندارد که در شرایط خاص مرز بین توانایی وارد کردن خسارت با توانایی تبدیل آن خسارت به دستاورد سیاسی، از بین رفته باشد؟ تصور می‌کنم اینجا به جای منزوی کردن آمریکا، نمی‌تواند برای آن کشورها انگیزه بیشتری برای همکاری با آمریکا علیه ایران ایجاد کند؟ آنهم در حالی که به درستی باید آنها را روشن کرد تا خوی جانیکارانه آمریکا را درک کنند و به مقابله با آن برخیزند. با نظر به نوع نگرش حسین شریعتمداری به مسائل امنیتی کشور، کاهش مدیرمسئول کیهان به این سوال هم پاسخ دهد که آیا این احتمال وجود ندارد که در شرایط خاص مرز بین توانایی وارد کردن خسارت با توانایی تبدیل آن خسارت به دستاورد سیاسی، از بین رفته باشد؟ تصور می‌کنم اینجا به جای منزوی کردن آمریکا، نمی‌تواند برای آن کشورها انگیزه بیشتری برای همکاری با آمریکا علیه ایران ایجاد کند؟ آنهم در حالی که به درستی باید آنها را روشن کرد تا خوی جانیکارانه آمریکا را درک کنند و به مقابله با آن برخیزند. با نظر به نوع نگرش حسین شریعتمداری به مسائل امنیتی کشور، کاهش مدیرمسئول کیهان به این سوال هم پاسخ دهد که آیا این احتمال وجود ندارد که در شرایط خاص مرز بین توانایی وارد کردن خسارت با توانایی تبدیل آن خسارت به دستاورد سیاسی، از بین رفته باشد؟ تصور می‌کنم اینجا به جای منزوی کردن آمریکا، نمی‌تواند برای آن کشورها انگیزه بیشتری برای همکاری با آمریکا علیه ایران ایجاد کند؟ آنهم در حالی که به درستی باید آنها را روشن کرد تا خوی جانیکارانه آمریکا را درک کنند و به مقابله با آن برخیزند. با نظر به نوع نگرش حسین شریعتمداری به مسائل امنیتی کشور، کاهش مدیرمسئول کیهان به این سوال هم پاسخ دهد که آیا این احتمال وجود ندارد که در شرایط خاص مرز بین توانایی وارد کردن خسارت با توانایی تبدیل آن خسارت به دستاورد سیاسی، از بین رفته باشد؟ تصور می‌کنم اینجا به جای منزوی کردن آمریکا، نمی‌تواند برای آن کشورها انگیزه بیشتری برای همکاری با آمریکا علیه ایران ایجاد کند؟ آنهم در حالی که به درستی باید آنها را روشن کرد تا خوی جانیکارانه آمریکا را درک کنند و به مقابله با آن برخیزند. با نظر به نوع نگرش حسین شریعتمداری به مسائل امنیتی کشور، کاهش مدیرمسئول کیهان به این سوال هم پاسخ دهد که آیا این احتمال وجود ندارد که در شرایط خاص مرز بین توانایی وارد کردن خسارت با توانایی تبدیل آن خسارت به دستاورد سیاسی، از بین رفته باشد؟ تصور می‌کنم اینجا به جای منزوی کردن آمریکا، نمی‌تواند برای آن کشورها انگیزه بیشتری برای همکاری با آمریکا علیه ایران ایجاد کند؟ آنهم در حالی که به درستی باید آنها را روشن کرد تا خوی جانیکارانه آمریکا را درک کنند و به مقابله با آن برخیزند. با نظر به نوع نگرش حسین شریعتمداری به مسائل امنیتی کشور، کاهش مدیرمسئول کیهان به این سوال هم پاسخ دهد که آیا این احتمال وجود ندارد که در شرایط خاص مرز بین توانایی وارد کردن خسارت با توانایی تبدیل آن خسارت به دستاورد سیاسی، از بین رفته باشد؟ تصور می‌کنم اینجا به جای منزوی کردن آمریکا، نمی‌تواند برای آن کشورها انگیزه بیشتری برای همکاری با آمریکا علیه ایران ایجاد کند؟ آنهم در حالی که به درستی باید آنها را روشن کرد تا خوی جانیکارانه آمریکا را درک کنند و به مقابله با آن برخیزند. با نظر به نوع نگرش حسین شریعتمداری به مسائل امنیتی کشور، کاهش مدیرمسئول کیهان به این سوال هم پاسخ دهد که آیا این احتمال وجود ندارد که در شرایط خاص مرز بین توانایی وارد کردن خسارت با توانایی تبدیل آن خسارت به دستاورد سیاسی، از بین رفته باشد؟ تصور می‌کنم اینجا به جای منزوی کردن آمریکا، نمی‌تواند برای آن کشورها انگیزه بیشتری برای همکاری با آمریکا علیه ایران ایجاد کند؟ آنهم در حالی که به درستی باید آنها را روشن کرد تا خوی جانیکارانه آمریکا را درک کنند و به مقابله با آن برخیزند. با نظر به نوع نگرش حسین شریعتمداری به مسائل امنیتی کشور، کاهش مدیرمسئول کیهان به این سوال هم پاسخ دهد که آیا این احتمال وجود ندارد که در شرایط خاص مرز بین توانایی وارد کردن خسارت با توانایی تبدیل آن خسارت به دستاورد سیاسی، از بین رفته باشد؟ تصور می‌کنم اینجا به جای منزوی کردن آمریکا، نمی‌تواند برای آن کشورها انگیزه بیشتری برای همکاری با آمریکا علیه ایران ایجاد کند؟ آنهم در حالی که به درستی باید آنها را روشن کرد تا خوی جانیکارانه آمریکا را درک کنند و به مقابله با آن برخیزند. با نظر به نوع نگرش حسین شریعتمداری به مسائل امنیتی کشور، کاهش مدیرمسئول کیهان به این سوال هم پاسخ